

بررسی رابطه نگرش مالی، سواد مالی و مشارکت مالی با میانجی‌گری خودکارآمدی مالی در حرفه حسابداری و حسابرسی

زهرا یگانه^۱، سمیرا زارعی^{۲*}

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار و هیئت‌علمی، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Zarei.s.90@gmail.com

چکیده

محققین در طول سی سال گذشته، معیارهای عینی و ذهنی گوناگونی برای توصیف شرایط مالی خانوار و افراد را آزمون کرده‌اند و دریافته‌اند که بهبود رفاه مالی، حاصل تقویت دانش، نگرش، تمایل و رفتار مالی می‌باشد. بر همین اساس در این پژوهش به بررسی رابطه نگرش مالی، سواد مالی و مشارکت مالی با میانجی‌گری خودکارآمدی مالی در حرفه حسابداری و حسابرسی پرداخته شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش تعداد ۳۸۵ نفر برای نمونه؛ از بین حساب‌برسان، حسابداران و نخبگان و اساتید حسابداری در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در نظر گرفته شد. داده‌های موردنظر از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده و از نرم‌افزار آماری SPSS22 و AMOS21 برای تحلیل متغیرها و آزمون فرضیات پژوهش استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین نگرش مالی و سواد مالی با مشارکت مالی ارتباط معناداری وجود نداشته، ولی باین وجود، شاخص خودکارآمدی مالی با نقش واسطه‌ای بین سواد مالی و مشارکت مالی رابطه‌ای مثبت ایجاد می‌نماید.
کلیدواژه: نگرش مالی، سواد مالی، مشارکت مالی، خودکارآمدی مالی.

۱- مقدمه

ناتوانی افراد در دسترسی به خدمات مالی رسمی به‌صورت داوطلبانه یا غیرداوطلبانه به‌عنوان مانع کلیدی برای توسعه اجتماعی - اقتصادی و اقتصادهای در حال رشد می‌باشد (دمیرگوک- کانت و کلاپر، ۲۰۱۲؛ آردیک و همکاران، ۲۰۱۱، جانسون و نیو-زارازوا، ۲۰۱۱؛ سونکو، ۲۰۱۰). باوجود تعداد زیاد کارهای نظری و تجربی، که رابطه مثبت قوی بین رشد اقتصادی و توسعه مالی را مستند می‌سازند، کلامارا و همکاران (۲۰۱۴)؛ دمیرگوچ - کانت و کلاپر (۲۰۱۲)؛ کومار و موهانتی (۲۰۱۱) اشاره کردند که به‌منظور دستیابی به درک بهتر این زمینه، باید به فراتر از این رابطه نگرست و بیان نمودند که چندین عامل غیرمالی بر این رابطه تأثیر می‌گذارند. در گزارش اخیر، تلاش‌های رو به رشدی در جهت تجزیه و تحلیل نیازهای بالقوه مصرف‌کننده به‌عنوان نقطه شروع برای توسعه محصول وجود دارد. «..... درک عمیق‌تر نیازها، رفتار و ترجیحات افراد کم‌درآمد، ارائه و کاربرد مناسب‌تر و مسئولانه‌تر خدمات مالی را تضمین خواهد کرد. (CGAP، ۲۰۱۳)».

مشارکت مالی که گسترشی هدفمند برای دستیابی و استفاده از محصولات مالی و خدمات مالی مانند پس‌اندازها، اعتبار، بیمه، سایر پرداخت‌ها و انتقال پول به تعداد وسیعی از افراد در یک استراتژی مداخله‌ای می‌باشد، به دنبال غلبه بر نوع بازار است که بازار را از عملیات به نفع افراد ضعیف و فقیر منع می‌کند (آدودا و کالوندا، ۲۰۱۲). منطق اصلی اقتصادی در افزایش مشارکت مالی، تضمین این قضیه است که گروه‌هایی با فراهم کردن مسیرهای ایمن و کارآمد برای پس‌انداز، اعتبار، بیمه و انتقال پول به بخشی از سیستم بانکداری معرفی شوند (بانک اوگاندا، ۲۰۱۳). به‌علاوه مشارکت مالی به جلوگیری از بازارهای مالی رسمی استثمارگر با هزینه افراد آسیب پذیر، فقیر و بی‌سواد جلوگیری می‌کند. پاند و بورگس (۲۰۰۵) استدلال کردند که در سطح خرد، شعبه‌ها اغلب در مکان‌های دورافتاده روستایی به طور قابل توجهی فقر روستایی را از طریق افزایش پس‌اندازها و توزیع

^۱ Consultative Group to Assist the Poor

وام‌ها توسط بانک‌ها کاهش دادند تا شاید رفاه آن‌ها را از طریق فرایند تخصیص منابع بهبود بخشند. همین‌طور در سطح خرد افزایش راه‌های ارائه خدمات مالی به سطح پایین‌تر از طریق گسترش دسترسی فردی به خدمات مالی رسمی می‌تواند مربوط به نابرابری درآمد پایین‌تر باشد (کاسکند و براونبرج ، ۲۰۱۱؛ اهریک و همکاران ، ۲۰۱۲؛ کول و همکاران ، ۲۰۱۳؛ دمیرگوک-کانت و کلاپر، ۲۰۱۲). نظریه‌های رفتار-تصمیم و مطالعات تجربی که مرتبط با تصمیمات فردی نسبت به محصولات و خدمات مالی هستند، تاکید فزاینده‌ای بر درک روندهای روانی می‌کنند (دمیرگوک-کونت و کلاپر، ۲۰۱۲؛ آلن و همکاران ، ۲۰۱۲؛ کلامارا و همکاران ، ۲۰۱۴؛ مارتینز و همکاران ، ۲۰۱۳).

سهام این مطالعه در گسترش علم در توسعه‌ی مدل نظری بسترسازی شده است که مشارکت مالی را در جامعه‌ی حسابداران و حسابرسان ایران از چشم انداز تقاضا توضیح می‌دهد و نقش واسطه‌ی خودکارآمدی مالی در ارتباط بین نگرش سواد مالی و مشارکت مالی افرادی حسابداران و حسابرسان را بررسی می‌نماید. این مطالعه گفتمان مالی رفتاری در جامعه حسابداری و حسابرسی را با بکارگیری نظریه‌های رفتاری مانند نظریه شناختی اجتماعی، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه شناختی اجتماعی برای تکمیل مدل‌های مالی و اقتصادی که تاکنون استفاده شدند را غنی می‌کند، همچنین توضیح نظری و تجربی بهتری از تصمیم‌گیری با مراجعه به مشارکت مالی در میان حسابداران، حسابرسان و نخبگان آن‌ها در ایران را ایجاد خواهد کرد. بنابراین این پژوهش به دنبال غلبه بر بنیان‌های نظری بوده و محدودیت‌های ماهیت توضیحی مطالعات انجام شده در مشارکت مالی از دیدگاه تقاضا را مورد بررسی قرار خواهد داد. این مطالعه مدلی که نگرش مالی، سواد مالی و خودکارآمدی مالی می‌توانند رفتار مالی یک فرد حسابدار یا حسابرس را شبیه سازی کند را مورد آزمون قرار می‌دهد و از این‌رو استفاده از محصولات مالی رسمی برای پیشرفت مشارکت مالی در جامعه حرفه‌ای حسابداران و حسابرسان بررسی می‌گردد. بر اساس آنچه که مطرح شد این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا بین نگرش مالی، سواد مالی و مشارکت مالی با میانجیگری خودکارآمدی مالی رابطه‌ی معناداری وجود دارد .

۲- مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

مشارکت مالی ، یک نهاد است که به مشارکت بین دو طرف در یک معامله مالی گفته می‌شود. مشارکت مالی دسترسی و استفاده از محصولات و خدمات مالی، در سال‌های اخیر به اولییتی در سطح جهانی برای سیاست‌گذاران تبدیل شده است (دمیرگوچ - کانت و کلاپر، ۲۰۱۲؛ آردیک و همکاران، ۲۰۱۱). مشارکت مالی با تسهیل رشد اقتصادی و کاهش نابرابری، نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند (گوپته و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، یک سیستم مالی جامع، به احتمال زیاد این نقش را تحقق بخشیده، و این تنها زمانی امکان‌پذیر است که اقتصاد از «تأثیر واسطه یا میانجی‌گری متعادل» بین تقاضا و عرضه ، یعنی ارائه‌دهندگان خدمات مالی و همچنین مصرف‌کننده خدمات مالی استفاده کند (کومار و موهانتی، ۲۰۱۱؛ آگراوال ، ۲۰۰۸).

ماسارا و میالو (۲۰۱۴) ادعا کردند که مفهوم مشارکت مالی از طریق سه بُعدش پیشرفت می‌کند: دسترسی، کاربرد و کیفیت خدمات مالی. مطابقاً، هانیگ و جانسن (۲۰۱۰)، سرائو و همکاران (۲۰۱۲) اظهار کردند که اندازه‌گیری مشارکت مالی باید قادر به نظارت سطوح مشارکت مالی باشد و دوماً اینکه درک مربوط به عواملی که با مشارکت مالی مرتبط هستند که تست فرضیه‌ها بین مشارکت مالی و سایر متغیرها را ممکن می‌سازند را عمیق‌تر می‌کنند. بُعد دسترسی، که جنبه ظاهری و وسعت خدمات مالی و توانایی افراد برای استفاده از خدمات و محصولات مالی موجود را در نقطه خدمات اندازه‌گیری می‌کند. بُعد کاربرد ، توانایی فردی برای به دست آوردن هدف دائمی و خدمات رفاهی را از خدمات یا محصولات مالی خاص به دست می‌آورد، بُعد کیفی ، که مربوط بودن محصولات مالی یا خدمات را در نیازهای هر روزه مصرف‌کننده مالی اندازه‌گیری می‌کند.

از جمله متغیرهایی که به طور بالقوه با مشارکت مالی رابطه دارند نگرش مالی و سواد مالی می‌باشد، نگرش مالی با بررسی قضاوت ارزش‌گذاری و شناختی فرد از مشارکت مالی اندازه‌گیری می‌شود. پژوهشگران و نظریه پردازان نگرشی، برای مثال آرمیتاژ و کونور (۲۰۰۱) پیشنهاد کردند که نگرش‌های فردی در چارچوب جنبه‌هایی اعلام می‌شوند که محتوای اطلاعاتی را بسته به نتیجه خاص پیش بینی شده فراهم مینمایند. نگرش مالی مجموعه‌ای مرکب از مفاهیم، اطلاعات و احساسات در مورد فرایند یادگیری و در نتیجه استعداد عملکرد مطلوب می‌باشد که می‌تواند با تجربه مستقیم افراد در برابر واقعیت‌ها توسعه یابد. مساله دیگری که قابل تامل است میزان سواد مالی افرادی همچون سرمایه‌گذاران است، به عبارتی افرادی که نگرش مالی بالاتری دارند و در ادامه درک مالی مناسبی دارند، امور مالی روزانه و طرح‌های بلندمدت خود را بهتر مدیریت می‌کنند. بازار

سرمایه بسیار پیچیده است و اساس آن مبتنی بر تصمیمگیری‌های سخت و مهم می‌باشد طبیعتاً افراد تصمیم گیرنده باید از اطلاعات خوبی برخوردار باشند. سرمایه‌داران به عنوان تصمیمگیرندگان حوزه اقتصاد، باید در سطح معقول اطلاعات مالی و توانایی تجزیه‌تحلیل بازار مالی را داشته باشند که اهمیت جایگاه سواد مالی را نشان می‌دهد (کیانوش و همکاران، ۱۳۹۳). در مقابل سواد مالی با بررسی دانش فرد یا درک و کاربرد مفاهیم بنیادین مربوط به تصمیم‌گیری‌های مالی و در نتیجه استفاده از محصولات مالی و خدمات اندازه‌گیری میشود (هاستون، ۲۰۱۰). سواد مالی توسط بنیاد مالی تحقیق در آموزش انگلستان به شرح زیر تعریف شده است: «توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری موثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن». پس از طرح این موضوع، مبحث سواد مالی، مبدل به یک موضوع بسیار مهم تحقیقاتی شد، بطوری که ابتدا در کشورهای انگلستان و امریکا و متعاقب آن در سایر کشورها از جمله استرالیا، هلند، ایتالیا، مالزی و ... مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. در انگلستان نیز مفاهیم مالیه شخصی (سواد مالی) به عنوان بخشی از برنامه‌های آموزش ملی دیده شده است (اشرف‌گنجوئی و نایب‌زاده، ۱۳۹۳). در نهایت خودکارآمدی مالی به عنوان متغیر میانجی توسط نظریه شناختی اجتماعی بیان شده است که نقش تفکر شناختی در هدایت انگیزه‌های مالی افراد و رفتار مالی آنها را بررسی می‌کند (ساندلر، ۲۰۰۰). خودکارآمدی، بر انتخاب رفتار، تلاش و پشتکار و پیگیری اهداف مؤثر است و نحوه‌ی مواجهه با موانع و چالش‌ها را تعیین می‌کند. طبق نظریه‌ی باندورا، خودکارآمدی نقش مهمی در سازگاری روانشناختی، مشکلات روانی، سلامت جسمانی و نیز راهبردهای تغییر رفتار خود رهنمون و مشاوره دارد (عبداللهی، ۲۰۰۶). خودکارآمدی از نظریه شناخت اجتماعی باندورا (۱۹۹۷) روان‌شناس مشهور، مشتق شده است که به باورها یا قضاوت‌های فرد به تواناییهای خود در انجام وظایف و مسئولیت‌ها اشاره دارد. نظریه شناخت اجتماعی مبتنی بر الگوی علی سه جانبه رفتار، محیط و فرد است. این الگو به ارتباط متقابل بین رفتار، اثرات محیطی و عوامل فردی (عوامل شناختی، عاطفی و بیولوژیک) که به ادراک فرد برای توصیف کارکردهای روان شناختی اشاره دارد، تأکید می‌کند (پارسایی، ۱۳۹۰). باندورا (۱۹۹۷) مطرح می‌کند که باور افراد به خودکارآمدی خویش، بخش عمده‌ای از خودآگاهی آنان را تشکیل می‌دهد. منابع خودکارآمدی ذاتاً آگاهی‌دهنده نیستند. آن‌ها داده‌های خام هستند که از طریق پردازش شناختی کارآمدی و تفکر انعکاسی آموزنده می‌شوند. بنابراین، باید بین اطلاعات و دانش‌هایی که از وقایع و رویدادها کسب می‌شود و اطلاعات و معرفت‌هایی که روی خودکارآمدی اثر می‌گذارند تفاوت قابل‌شده (آقازاده و احدیان، ۱۳۹۵).

شواهد تجربی نشان می‌دهد که یکی از عوامل عمده‌ای که بر رفتار مالی تأثیر می‌گذارد، خودکارآمدی است، که به عنوان سطح اعتماد به توانایی فرد برای برخورد با یک وضعیت مالی بدون بدون بروز مشکل توصیف می‌شود (آماتوسی و کراولی، ۲۰۱۱؛ فوربس و کارا، ۲۰۱۰؛ لاون، ۲۰۱۲؛ انگلبرگ، ۲۰۰۷؛ دیتز و همکاران، ۲۰۰۳). خودکارآمدی مالی با استفاده از نظریه شناختی اجتماعی بیان می‌شود، که نقش تفکر شناختی در هدایت انگیزه و رفتار مالی افراد را بررسی می‌کند (ساندلر، ۲۰۰۰). ساختار خودکارآمدی مالی، مطابق نظریه‌شناختی اجتماعی است، که ادعا می‌کند زمانی خودکارآمدی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری برخوردار است که خاص حوزه باشد و به‌طور مستقیم بر وظایف یا انتخاب‌های فردی، و همچنین به‌طور غیرمستقیم بر تحقق نتایج مثبتی که معمولاً افراد پیش‌بینی می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، رویکرد «یک اقدام یا معیار متناسب با همه است» که معمولاً از ارزش توضیحی و پیش‌بینی‌کنندگی محدودی برخوردار است (باندورا، ۲۰۰۵). بنابراین، خودکارآمدی که در زمینه حوزه مالی قرار دارد، به عنوان ساختار خودکارآمدی مالی پیشنهاد می‌شود، که در نتیجه برای توضیح تأثیر آن بر مشارکت مالی بررسی می‌شود. در این راستا، خودکارآمدی در بعضی از مطالعات به عنوان متغیر واسطه مورد استفاده قرار گرفته است، و به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده بسیار سازگارتر رفتار و تغییر رفتاری شناخته شده است (باندورا، ۱۹۸۶؛ زیمرمن و همکاران، ۱۹۹۲؛ ژائو و همکاران، ۲۰۰۵؛ بیلی و آستین، ۲۰۰۶). توجه به این مسئله ضروری است که مطالعات کمی، نقش واسطه خودکارآمدی در زمینه مالی، به ویژه مشارکت مالی، را بررسی نمایند.

یافته‌های تجربی در طول سال‌ها، استدلال باندورا را تأیید کرده‌اند که باورهای خودکارآمدی، رابطه بین متغیرهای مختلف و دستیابی به عملکرد در حوزه‌های خاص را میانجی‌گری می‌کنند. به عنوان مثال، حجازی و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که خودکارآمدی در حوزه‌های متمایز، به‌طور غیر مستقیم نقش مفیدی در فرآیند مشارکت شناختی ایفا کرد، که عملکرد موفق‌تر حاصل شده به واسطه تمایل به دستیابی به مهارت‌های بیشتر را محقق می‌کند. به همین ترتیب، ژائو و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که اثرات یادگیری کسب شده از دوره‌های کارآفرینی، تجربه کارآفرینی قبلی و تمایل به ریسک‌پذیری با میانجیگری خودکارآمدی کارآفرینی بر مقاصد کارآفرینی اثرگذار است. بنابراین، خودکارآمدی، یک ویژگی پویا است، که افراد می‌توانند در زمینه‌های مختلف دارا باشند، از این رو، به واسطه رفتار خاص فردی، رویدادهای بیولوژیکی و محیطی که در آن تعامل دارند، قابل تغییر هستند (استاجکویک و لوتانس، ۱۹۹۸).

طیب و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «عوامل موثر در استفاده از روش مشارکت کاهنده در سرمایه‌گذاری داخلی» با تحلیل‌های رگرسیونی و همبستگی داده‌های گردآوری شده، سطح پذیرش مفهوم مشارکت مالی را کاهنده به عنوان یک ابزار تأمین مالی در سرمایه‌گذاری داخلی به وسیله مصرف‌کنندگان در مالزی بیان کردند. همچنین، راجل و موسا (۲۰۱۷)، به بررسی خودکارآمدی مالی به‌عنوان یک واسطه در پیشبرد مشارکت مالی پرداختند. این مطالعه در میان افراد بزرگسال در مناطق شهری مرکز اوگاندا انجام شد که بالاترین توزیع فراهم‌کننده‌های خدمات مالی را داشت و نمونه‌ای از ۴۰۰ مصرف‌کننده مالی استفاده شد. نتایج نشان داد که خودکارآمدی مالی در نقش یک واسطه‌گر در ارتباط بین نگرش مالی، سواد مالی و مشارکت مالی است. علاوه بر این، بین سواد مالی، نگرش مالی و مشارکت مالی رابطه معناداری وجود دارد.

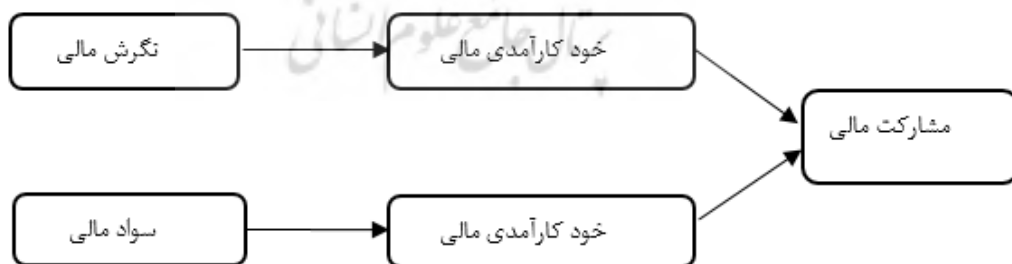
با جستجو بسیار در راستای موضوع پژوهش حاضر در ایران، به تحقیقات صمصامی (۱۳۹۳) در خصوص بررسی رابطه بین سواد مالی سهامداران حقیقی بورس و اوراق بهادار بر نوع و تنوع سرمایه‌گذاری آنها و تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر سطح سواد مالی و بررسی ارتباط سواد مالی با تجارب دوران کودکی می‌توان اشاره نمود که یافته‌های صمصامی نشان داد که سهامداران حقیقی از نظر مالی باسواد هستند و سواد مالی سهامداران تحت‌تأثیر مولفه‌های سطح تحصیلات، دانشکده تحصیلی و رشته تحصیلی مقطع متوسطه می‌باشد، تجارب دوران کودکی بر سواد مالی رابطه داشته است. سواد مالی با تنوع سرمایه‌گذاری، تنوع پرتفوی سهام، زمینه سرمایه‌گذاری رابطه داشته است. جلیلی و همکاران (۱۳۹۲) به مطالعه رفتار مالی شخصی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته و یافته‌های وی نشان داد که سه مبحث آموزش والدین، کمبود آگاهی، دانش و مدیریت مالی مهمترین ویژگی موثر بر رفتار مالی دانشجویان را تشکیل می‌دهند. در داخل ایران تاکنون تحقیقی در زمینه شاخص خودکارآمدی مالی به صورت واسطه‌ای بر ارتباط نگرش مالی و سواد مالی و مشارکت مالی صورت نگرفته است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش‌های صورت گرفته که به آن‌ها اشاره گردیده شد، مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل ۱ به نمایش گذاشته شده است. همچنین بر اساس مدل مفهومی پژوهش مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردند:

- فرضیه ۱: بین نگرش مالی و مشارکت مالی ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین سواد مالی و مشارکت مالی ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳: خودکارآمدی مالی، بر رابطه بین نگرش مالی و مشارکت مالی نقش واسطه‌ای دارد.
- فرضیه ۴: خودکارآمدی مالی، بر رابطه بین سواد مالی و مشارکت مالی نقش واسطه‌ای دارد.

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش



۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی است. جهت گردآوری مبانی نظری اطلاعات در خصوص تبیین ادبیات موضوعی پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده گردید. به‌طوری که مباحث تئوریک مورد نیاز تحقیق، از منابع مرتبط از جمله کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و همچنین از منابع موجود در پایگاه‌های

اطلاعاتی و کتابخانه‌های دانشگاه‌ها جمع‌آوری گردید. جامعه آماری پژوهش، حساب‌رسان، حسابداران و نخبگان و اساتید تخصصی حسابداری و حسابرسی می‌باشد و براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۵ نفر برای نمونه در نظر گرفته شد. برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه، ابتدا بر اساس اهداف تحقیق از پیشینه‌های موجود تحقیق و پرسشنامه‌های استاندارد شده که اعتبار و روایی آن‌ها در جامعه علمی کشورهای مختلف مورد بررسی و تایید قرار گرفته، انتخاب شده و با استناد به روایی قضاوتی در مورد شاخص‌ها برای انتخاب در پرسشنامه تصمیم‌گیری شد. این پرسشنامه به دو بخش دسته‌بندی شده که مشخصه‌های دموگرافیک پاسخ دهنده و گویه‌های مربوط به شاخص‌های اصلی پژوهش؛ «شامل مشارکت مالی (متغیر وابسته)، خودکارآمدی مالی (متغیر واسطه)، نگرش مالی و سواد مالی (متغیرهای مستقل) بود». قبل از انجام نمونه‌گیری نهایی، برای اطمینان از روایی صوری و اعتبار پرسشنامه، کارایی پرسشنامه، روش کار و مشکلات اجرایی احتمالی، بررسی اولیه روی یک نمونه تصادفی در مقیاس کوچک و با ۱۰٪ آزمودنی از جامعه آماری انجام گرفت. روایی صوری و محتوایی به تایید متخصصان و اساتید مرتبط قرار گرفت و نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه پژوهش، چهار بعد موردنظر (مشارکت مالی، نگرش مالی، سواد مالی و خودکارآمدی مالی) را بدست آورد که در آن ۷۵٪ درصد واریانس سوال‌ها استخراج شده بود. آزمون $KMO=0/82$ و بارتلت ($P>0/0001$) نشان داد که حجم نمونه کافی است و این عوامل در جامعه آماری وجود دارد. نتایج بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ چرخش متعامد، چهار بعد مورد نظر را بدست آورد که در جدول ۱ قابل مشاهده می‌باشد. مقدار شاخص پایایی‌های ترکیبی (CR) برابر با ۰/۷۹ و شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) 59/0 بدست آمد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد کافی و مناسب پرسشنامه می‌باشد.

جدول ۱: ماتریس دوران یافته ابعاد پرسشنامه پژوهش

ابعاد	بار عاملی
مشارکت مالی	۰/۸۸
نگرش مالی	۰/۶۳
سواد مالی	۰/۷۸
خودکارآمدی مالی	۰/۸۷

پایایی پرسشنامه نیز بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به شرح جدول ۲ بدست آمد.

جدول ۲: ضرایب پایایی پرسشنامه پژوهش

پرسشنامه	ضریب پایایی
مشارکت مالی	۰/۹۳
نگرش مالی	۰/۷۴
سواد مالی	۰/۷۴
خودکارآمدی مالی	۰/۷۷

در ادامه داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه با استفاده از آمار توصیفی، تحلیل همبستگی، مدل‌سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزارهای AMOS 21 و SPSS22 آزمون گردیده شد.

۵- یافته‌های پژوهش

برای هر یک از متغیرهای تحقیق، به ارائه آماره‌های حداقل، حداکثر نمره، میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی به صورت جدول ۳ ارائه می‌گردد:

جدول ۳: جدول یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	آماره Z	P
مشارکت مالی	۳ / ۵۷	۰ / ۴۹	-۰ / ۲۱۷	۰ / ۰۱۴	۱ / ۶۰۲	۰ / ۰۱۲
نگرش مالی	۳ / ۱۹	۰ / ۵۷	-۰ / ۶۹۱	۱ / ۱۳۷	۱ / ۸۳۹	۰ / ۰۰۲
سواد مالی	۳ / ۵۹	۰ / ۵۱	-۰ / ۴۸۳	-۰ / ۳۴۸	۱ / ۷۴۶	۰ / ۰۰۴
خودکارآمدی مالی	۳ / ۳۲	۰ / ۶۹	-۰ / ۰۷۸	۰ / ۱۱۳	۱ / ۶۴۷	۰ / ۰۰۹

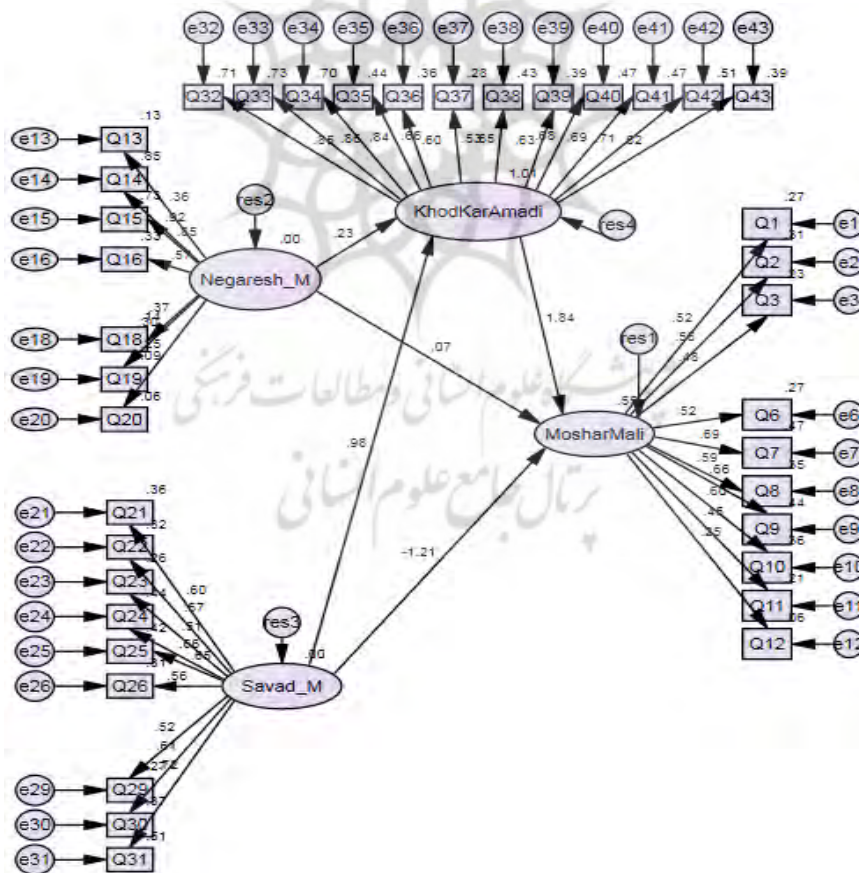
با توجه به یافته‌های جدول ۳، تمامی متغیرهای پژوهش در دامنه قابل قبولی (بین ۲ تا -۲) برای دو شاخص چولگی و کشیدگی قرار دارند و دارای توزیع نرمال می‌باشد. اما با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در جدول ۳ برای متغیرهای پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است، از این رو توزیع متغیرهای پژوهش تفاوت معناداری با توزیع نرمال دارد. علاوه بر این، با توجه به تعداد بالای حجم نمونه می‌توان متغیرها را دارای توزیع نرمال در نظر گرفت و با استفاده از نرم افزار ص 21 AMOS اقدام به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. قبل از ارائه مدل آزمون شده پژوهش در جدول ۴ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول ۴: همبستگی بین متغیرهای تحقیق

مشارکت مالی	نگرش مالی	سواد مالی	خودکارآمدی مالی
مشارکت مالی			
نگرش مالی	۱		
سواد مالی	۰ / ۵۲**	۱	
خودکارآمدی مالی	۰ / ۶۲۹**	۰ / ۴۲۲**	۰ / ۸۵۳**

با توجه به سطح معناداری برای تمامی روابط بین متغیرهای پژوهش، مورد تایید قرار گرفته‌اند. مطابق با جدول ۴، با توجه به شدت همبستگی بین متغیرها، قوی‌ترین رابطه مربوط به رابطه بین خودکارآمدی و سواد مالی با شدت ۰/۸۵۳ بوده و ضعیف‌ترین رابطه برای رابطه بین متغیرهای سواد مالی و نگرش مالی با شدت ۰/۲۹۳ می‌باشد. شکل ۲ مقادیر استاندارد در مدل نهایی پژوهش را نمایش می‌دهد.

شکل ۲: مقادیر استاندارد در مدل نهایی پژوهش



جدول ۵: مقادیر مدل نهایی

روابط مفاهیم با شاخص ها در مدل	مقدار استاندارد شده	سطح معناداری ^۱	سطح معنی داری	نتیجه
فرضیه ۱: بین نگرش مالی و مشارکت مالی ارتباط معناداری وجود دارد.	۰ / ۰۷	۰ / ۱۱	$P > ۰ / ۰۵$	رد
فرضیه ۲: بین سواد مالی و مشارکت مالی ارتباط معناداری وجود دارد.	-۱ / ۲۱	۰ / ۸۱	$P > ۰ / ۰۵$	رد
فرضیه ۳: خودکارآمدی مالی، بر رابطه بین نگرش مالی و مشارکت مالی میان افراد نقش واسطه ای دارد.	۰ / ۲۳	۱ / ۸۴	۰ / ۴۲	۰ / ۰۰۰۴
فرضیه ۴: خودکارآمدی مالی، بر رابطه بین سواد مالی و مشارکت مالی میان افراد نقش واسطه ای دارد.	۰ / ۹۸	۱ / ۸۴	۱ / ۸	۰ / ۰۰۱۵

در جدول ۵ مقادیر مدل نهایی مطابق با فرضیات پژوهش خروجی از نرم افزار AMOS 21 ارائه شده است. با توجه به برآورد استاندارد متغیر نگرش مالی و مشارکت مالی که ۰ / ۰۷ و مقادیر ۰ / ۷۲ سطح معناداری، می توان نتیجه گرفت در سطح معنی داری $P > ۰ / ۰۵$ ، نگرش مالی و مشارکت مالی تاثیر معناداری ندارد. برای متغیر سواد مالی و مشارکت مالی که $-۱ / ۲۱$ و مقادیر ۰ / ۱۳۱ سطح معناداری، نیز می توان نتیجه گرفت در سطح معنی داری $P > ۰ / ۰۵$ ، سواد مالی و مشارکت مالی نیز تاثیر معناداری ندارد. بنابراین فرضیه اول و دوم پژوهش تایید نمی گردد. با توجه به سطح معناداری پایین تر از ۰ / ۰۵ و شدت تاثیرگذاری ۰ / ۴۲، نگرش مالی و مشارکت مالی با میانجی گری خودکارآمدی مالی تاثیرگذار است. با توجه به سطح معناداری پایین تر از ۰ / ۰۵ و شدت تاثیرگذاری ۱ / ۸، سواد مالی و مشارکت مالی با میانجی گری خودکارآمدی مالی تاثیرگذار است. در نتیجه فرضیه سوم و چهارم پژوهش مورد تایید قرار می گیرد.

تمامی شاخص های برازش بکار رفته نشان می دهد که این مدل دارای برازش خوبی است. بنابراین نتیجه می گیریم که مدل پژوهش دارای توانایی بالایی در اندازه گیری متغیرهای اصلی پژوهش دارد. با توجه به استاندارد بودن مدل، یافته های AMOS 21 قابلیت اعتماد را دارد که جدول ۶ نیز شاخص های برازش شده مدل نهایی حاکی از تایید یافته های پژوهش می باشد.

جدول ۶: شاخص های برازش مدل نهایی

عنوان شاخص	دامنه مورد قبول	مقدار	نتیجه
X^2/df^2	$X^2/df \leq 3$	۲ / ۵۰	تایید مدل
RMSEA	RMSEA < 0.09	۰ / ۰۸۹	تایید مدل
CFI	CFI > 0.90	۰ / ۹۲	تایید مدل
IFI	IFI > 0.90	۰ / ۹۳	تایید مدل

بحث و نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از فرضیه اول نشان دهنده عدم ارتباط معنادار بین نگرش مالی و مشارکت مالی در جامعه حسابداران و حسابرسان می باشد، که نشان می دهد قضاوت آنان به منظور ارزیابی اینکه آیا استفاده از خدمات مالی مطلوب است یا نه، بر تصمیمات حسابداران و حسابرسان بابت خدمات مالی رسمی تاثیر نمی گذارد. بنابراین، نتایج حمایت از فرضیه اول را ارائه نمی دهد و بنابراین رابطه مثبت و معناداری بین نگرش مالی و مشارکت مالی در جامعه حسابداران و حسابرسان وجود ندارد. از این رو نتایج فرضیه اول همسو با تحقیق راجل و موسا (۲۰۱۷) می باشد. همچنین یافته ها با طیب و همکاران (۲۰۰۸) مطابقت دارد، که متوجه شد نگرش ممکن است تحت تأثیر سایر قابلیت ها قرار گیرد، در حالی که پیش بینی رفتار فردی ممکن است منجر به یک اثر مستقل ناچیز و ضعیف بر روی مشارکت مالی شود. نتایج بدست آمده از فرضیه دوم نشان دهنده عدم ارتباط معنادار بین سواد مالی و مشارکت مالی می باشد، بنابراین نتایج فرضیه دوم مخالف تحقیق راجل و موسا (۲۰۱۷) می باشد.

T-value

^۱ DF (Degree of Freedom)

که بیان می‌کند تغییر مثبت در سطح مهارت‌ها، دانش و درک مفاهیم مالی پایه در رابطه با خدمات مالی با افزایش درجه مالی از نظر دسترسی، استفاده و کیفیت در میان حسابداران و حسابرسان مرتبط است واضح و مشخص است که وقتی حسابداران و حسابرسان دارای مهارت و دانش در مورد خدمات مالی هستند، آن‌ها قادرند درک کنند که چرا و چگونه خدمات مالی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا نتیجه رضایت‌بخشی را بدست آورند.

نتایج بدست آمده از فرضیه سوم نشان‌دهنده نقش واسطه‌ای خودکارآمدی مالی، بر رابطه بین نگرش مالی و مشارکت مالی میان افراد می‌باشد، پس با توجه به رد شدن فرضیه یک می‌توان به این نتیجه رسید که با اینکه بین نگرش مالی و مشارکت مالی ارتباطی وجود ندارد، اما واسطه‌گری خودکارآمدی مالی بین نگرش مالی و مشارکت مالی وجود ندارد. نتایج بدست آمده از فرضیه چهارم نشان‌دهنده وجود نقش واسطه‌ای خودکارآمدی مالی، بر رابطه بین سواد مالی و مشارکت مالی میان افراد می‌باشد. پس با توجه به رد شدن فرضیه دوم می‌توان به این نتیجه رسید که با وجود عدم ارتباط بین سواد مالی و مشارکت مالی، واسطه‌گری خودکارآمدی مالی باعث ایجاد ارتباط بین سواد مالی و مشارکت مالی می‌شود. نتایج آزمون فرضیه سوم و چهارم نیز همسو با تحقیق راجل و موسا (۲۰۱۷) می‌باشد.

نتایج نشان داد که اثر سواد مالی افزایش می‌یابد، زمانی که خودکارآمدی مالی در مدل همراه با نگرش مالی به وجود آید. نگرش مالی به طور معنی‌داری کاهش می‌یابد، زمانی که شاخص میانجی - خودکارآمدی مالی - در معادله گنجانده شده است. راجل و موسا (۲۰۱۷)، نشان دادند که خودکارآمدی مالی به عنوان یک واسطه ارتباط بین نگرش مالی، سواد مالی و مشارکت مالی است. بنابراین نتایج فرضیه سوم و چهارم همسو با تحقیق راجل و موسا (۲۰۱۷) می‌باشد.

به‌طور کلی، سطح بالایی از سواد مالی و نگرش مثبت مالی در میان حسابداران و حسابرسان باعث افزایش احساس قدرت بیشتر و قضاوت ارزیابی در تصمیم‌گیری‌های مالی در زمینه پس‌انداز، اعتبار، بیمه و پرداخت پول می‌شود. ارزیابی‌های قبلی و نتایج این تحقیق، توجیهاتی است که ارزش سواد مالی را در راستای دستیابی به استراتژی‌های مشارکت مالی نشان می‌دهد که در نتیجه باعث تغییرات مثبت در زندگی اشخاص می‌شود. این فرآیند به وضوح توسط سطح اعتماد فردی در ادغام تصمیم‌گیری در سیستم رسمی مالی ایجاد می‌شود. همچنین این مطالعه مشارکت‌های نظری بیشتری را در خصوص اثرات میانجی از خودکارآمدی مالی در رابطه سواد مالی، نگرش مالی و مشارکت مالی به دست می‌دهد. این مطالعه بیشتر نشان داده است که خودکارآمدی مالی، اندازه‌ای از اعتماد به نفس برای توانایی حسابداران و حسابرسان در مقابل استفاده از خدمات مالی می‌باشد که قابل اهمیت بوده و یک واسطه واقعی در این روابط با درجه مالی بین مصرف‌کنندگان مالی است. در پایان، با توجه به تحلیل‌های نتایج می‌توان پیشنهادات کاربردی و مناسبی را ارائه نمود.

بر اساس نتایج فرضیه اول پیشنهاد می‌گردد اطلاعات مالی و ابزارهای مالی با شفافیت بیشتری در اختیار افراد قرار گیرد زیرا مشارکت مالی در سرتاسر جهان مسئولیت مشترک دولت و بخش خصوصی است. بنابراین انتظار می‌رود زمینه‌ای فراهم گردد تا نگرش مالی افراد تقویت گردد.

بر اساس نتایج فرضیه دوم پیشنهاد می‌شود برنامه‌های سیاستی باید سواد مالی را در میان افراد تقویت کنند تا بتوانند دانش و مهارت‌های مالی را در جهت بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی ایجاد کنند. زیرا بهبود دانش مالی باعث گسترش مشارکت مالی می‌گردد که قادر به حمایت از گسترش خدمات رسمی مالی می‌باشد.

بر اساس نتایج فرضیه سوم و چهارم پیشنهاد می‌شود، برنامه‌های سیاست مالی طراحی و فراگیر گردد زیرا طراحی برنامه‌هایی که توانایی‌های فردی را برای اثربخشی مالی آنها تحریک می‌کند، در پیشبرد مشارکت مالی بسیار مهم است تاثیر سواد مالی می‌تواند از طریق مداخلات طراحی شده و هدفمند افزایش یابد که به راحتی قابل درک و متمرکز بر اهمیت خدمات مالی خاص می‌باشند. چنین برنامه‌هایی که به خوبی توسعه یافته‌اند قادر به تأثیر مثبت بر نگرش و اعتماد مردم بر تصمیم‌گیری‌های مالی می‌باشند.

منابع

۱. اشرف گنجوئی، اسما و نایب زاده، شهناز. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه اعتقادات مذهبی و سواد مالی اسلامی در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال هفتم، شماره بیست و سوم، صص ۴۵-۵۵.
۲. آقازاده، محرم و احدیان، محمد. (۱۳۹۵)، مبانی نظری و کاربردهای آموزشی نظریه فراشناخت. تهران: پیوند.
۳. پارسایی، عین اله. (۱۳۹۰). رابطه‌ی سبک‌های فراهیجانی والدین با خودکارآمدی و هوش عاطفی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه. تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۴. جلیلی، محمد؛ احمدی، موسی؛ فیروزی، اکبر. (۱۳۹۲)، مطالعه رفتار مالی شخصی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، مطالعات کمی در مدیریت، شماره دوم، صص ۱۸۷-۱۹۷.
۵. صمصامی، محمود. (۱۳۹۳)، سواد مالی و مشارکت در بازار سهام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده حسابداری و مدیریت.
۶. عبداللهی، بیژن. (۲۰۰۶)، نقش خودکارآمدی در توانمندسازی کارکنان، ماهنامه تدبیر، سال هجدهم، شماره ۱۶۸، صص ۱۲-۱۷.
۷. کیانوش، مهسا؛ جلیلی، محمد؛ احمدی، موسی؛ حسین‌آبادی، داود. (۱۳۹۳)، میزان درک و شناخت دانشجویان از دانش تأمین مالی شخصی (تحلیل رفتار دانشجویان نسبت به دانش تأمین مالی شخصی)، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۴۱-۵۳.
8. Aduda, J., and E. Kalunda. 2012. Financial inclusion and financial sector stability with reference to Kenya: A review of literature. *Journal of applied finance & banking* 2: 95-120.
9. Agrawal, A. 2008. The need for financial inclusion with an Indian perspective. *Economic research march* 3, 2008: 1-10 .
10. Allen, F., A. Demirguc-Kunt, L. Klapper, and M.S.M. Peria. 2012. The foundations of financial inclusion: understanding ownership and use of formal accounts. The World Bank. Policy research working paper series: 62-90 .
11. Amatucci, F.M., and D.C. Crawley. 2011. Financial self-efficacy among women entrepreneurs. *International journal of gender and entrepreneurship* 3: 23-37.
12. Ardic, O.P., M. Heimann, and N. Mylenko. 2011. Access to financial services and the financial inclusion agenda around the world: a cross-country analysis with a new data set. The World Bank, Policy research working paper series: 37-55.
13. Armitage, C.J., and M. Conner. 2001. Efficacy of the theory of planned behaviour: A meta-analytic review. *British journal of social psychology* 40: 471-499.
14. Bailey, C., and M. Austin. 2006. 360 degree feedback and developmental outcomes: The role of feedback characteristics, Self-efficacy and importance of feedback dimensions to focal managers' current role. *International journal of selection and assessment* 14: 51-66.
15. Bandura, A. 1986. Social foundations of thought and action, Englewood cliffs, NJ prentice hall. *Journal of clinical and social psychology* 4: 359-373.
16. Bandura, A. 2005. The evolution of social cognitive theory. *Great minds in management*: 9-35.
17. Bandura, A., and D.C. McClelland. 1977. Social learning theory. *Journal of gerontology: Psychological sciences* 57B: 82-86.
18. Bank of Uganda. 2013. Financial stability report. Issue no.5. www.bou.or.ug.
19. Cgap. 2013. Global standard-setting bodies and financial inclusion for the poor: Toward proportionate standards and guidance. White paper prepared on behalf of the G-20 global partnership for financial inclusion. washington, D.C. Cgap. <http://www.cgap.org/>.
20. Clamara, N., X. Pena and D. Tuesta. 2014. Factors that matter for financial inclusion: Evidence from Peru, *Research BBVA*: 21-31.
21. Cull, R. J., A. Demirguc-Kunt and J. Morduch. 2013. Banking the world: Empirical foundations of financial inclusion. MIT Press NO.71305: 1-3.
22. Demirguc-Kunt, A., and L. Klapper. 2012a. Measuring financial inclusion: Explaining variation in use of financial services across and within countries. *Brookings papers on Economic activity* 1: 279° 340.
23. Demirguc-Kunt, A., and L. Klapper. 2012b. Measuring financial inclusion: Explaining variation in use of financial services across and within countries. *Nature* 415(6869):190-210.
24. Dietz, B.E., M. Carrozza and P.N. Ritchey. 2003. Does financial self-efficacy explain gender differences in retirement saving strategies?. *Journal of women & aging* 15: 83-96.
25. Ehrbech, T., M. Pickens and Tarazi. 2012. Financially inclusive ecosystems: The roles of government today. *Focus note* 76:17-23.
26. Engelberg, E. 2007. The perception of self-efficacy in coping with economic risks among young adults: an application of psychological theory and research. *International journal of consumer studies* 31: 95-101.

27. Forbes, J., and S.M. Kara. 2010. Confidence mediates how investment knowledge influences investing self-efficacy. *Journal of economic psychology* 31: 435-443.
28. Gupte, R., B. Venkataramani and D. Gupta. 2012. Computation of financial inclusion index for India. *Procedia-social and behavioral sciences* 37: 133-149.
29. Hannig, A., and S. Jansen. 2010. Financial inclusion and financial stability: Current policy issue. *Adbi working paper series* 259: 29-34.
30. Hejazi, E., M. Shahraray, M. Farsinejad and A. Asgari. 2009. Identity styles and academic achievement: Mediating role of academic self-efficacy. *Social psychology of education* 12: 123-135.
31. Huston, S. J. 2010. Measuring financial literacy. *Journal of consumer affairs* 44: 296-316.
32. Johnson, S., and M. Nino-zarazua. 2011. Financial access and exclusion in Kenya and Uganda. *The Journal of development Studies* 47: 475-496.
33. Kasekende, L., and M. Bwnbridge. 2011. Post-crisis monetary policy frameworks in sub-Saharan Africa. *African development review* 23: 190-201.
34. Kumar, B., and B. Mohanty. 2011. Financial inclusion and inclusive development in saarc countries with special reference to India. *vilakshan: The ximb journal of management* 8.
35. Lown, J. 2012. Outstanding AFCPE® conference paper: Development and validation of a financial self-efficacy scale. Available at SSRN 2001554.
36. Martinez, CH., XP. Hidalgo and D. Tuesta. 2013. Demand factors that influence financial inclusion in Mexico: analysis of the barriers based on the ENIF survey. *Wellbeing and social policy* 8(2): 3-44.
37. Massara, M.A., and A. Mialou. 2014. Assessing countries financial inclusion standing-A new composite index. *International monetary fund, Challenges and opportunities: 7°* 42.
38. Pande, R., and R. BURGESS. 2005. Do rural banks matter? Evidence from the Indian social banking experience. *American economic review* 95: 780-795.
39. Rachel, M., and M. Musa. 2017. Financial self-efficacy: A mediator in advancing financial inclusion. *Equality, diversity and inclusion: An international journal* 36(2): 128-142.
40. Sandler, M.E. 2000. Career decision-making self-efficacy, perceived stress, and an integrated model of student persistence: A structural model of finances, attitudes, behavior, and career development. *Research in higher education* 41: 537-580.
41. Serrao, M., A. Sequeira and B. Hans. 2012. Designing a methodology to investigate accessibility and impact of financial inclusion. Available at SSRN 2025521.
42. Ssonko, G.W. 2010. The role of mobile money services in enhancing financial inclusion in Uganda. *Bank of Uganda, Sunway academic journal* 14: 1-12.
43. Stajkovic, A.D., and Luthans, F. 1998. Self-efficacy and work-related performance: A meta-analysis. *Psychological bulletin*: 124- 240.
44. Taib, F.M., T. Ramayah and D.A. Razak. 2008. Factors influencing intention to use diminishing partnership home financing. *International journal of Islamic and Middle Eastern finance and management* 1: 235-248.
45. Zhao, H., S.E. Seiert and G.E. Hills. 2005. The mediating Role of self-efficacy in the development of entrepreneurial intentions. *Journal of applied psychology* 90: 1265-1272.
46. Zimmerman, B.J., A. Bandura and M. Martinez-pons. 1992. Self-motivation for academic attainment: The role of self-efficacy beliefs and personal goal setting. *American educational research journal* 29: 663-676.